

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Martyrs

جانبازان

ساما (ادامه دهندگان)

۰۸ جون ۲۰۱۲



سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما- ادامه دهندگان)



پردل یکی از سکانداران ماهر کشتی "ساما"

و الگوی حماسی باور و عمل انقلابی

"چگونه می شود گستره و هیبت ماجرا های عظیم تاریخی همراه با شاهکارهای سترگ حماسی نسلی از ایثار و اعتقاد را از گلوی فشرده یک زمان عبور داد و بحر را در کوزه انباشت؟ پیش روی ما نیز در این روز یک شهر

شهید خفته است. این شهر را چگونه به سوگ بنشینیم که در برش صد ها قهرمان و هزاران پاکبخته تاریخ ساز در شطی از خون، ما را به نظاره نشسته اند و در هژدهم جوزا این شهر لاله فام به تلاطم می آید، به پا می خیزد، خروش می کند، حرف می زند، فریاد می کشد و پیام خون چکانش را با عنوان درشت واژه آزادی از دل گورستان تاریخ تا به طارم گردون می افشانند. پس درود ما بر شما قامت های استوار و قلب های تپنده تاریخ و ننگ و نفرین ابدی باد بر قاتلان شما که قاتلان مردم و هستی ملی ما بوده اند!

لباس نوشتار و قافیه مجالس گرامیداشت بر قامت باعظمت شهدای ما بسی کوتاهی می کند. این ها فقط می تواند به مثابه مجاری کوچک، رشته هائی از این فوران بزرگ را در خود جاری ساخته و رهروان با ادای احترام، دین ، بیان، پیوند و تجدید میثاق در میعاد، جهت پر رهرو گردانیدن راه آنها تلاش ورزند. گذر زمان هر روز بیشتر از پیش حقانیت راه، شعار ها و اهداف شهدای ما را جلی تر گردانیده، بر دامنه شناسائی و پذیرش آن افزوده و منطق حرکت برگشت ناپذیر تاریخ بر آن مهر تأیید و تسجیل می گذارد.

تاریخ کشور ما مشحون است از مبارزه و مقاومت نسل های متوالی در برابر سلطه بیگانگان، بیعدالتی ها و استبداد داخلی که در برهه های حساس خطرات ملی به صورت مقاومت همگانی در آمده و تمام معادلات استعمارگرانه را نه تنها در حوزه ملی، بلکه در سطح منطقه بر هم زده و تأثیراتش را بر اوضاع جهانی نیز برجا گذاشته است. با درس آموزی و تکیه بر افتخارات پیوسته مبارزاتی، لازم است تا نسل حاضر و نخست از همه آگاه ترین بخش جامعه به مثابه وارثین رسالتمند بر « خلی حضور» و « کسر آواز» غلبه نمایند و در این لحظات حساس که همه داشته ها و هویت ملی ما در خطر است، دوباره سیمای تابناک مقاومت ملی را در تقابل با فاجعه بزرگ حاکمیت شریر و ننگین استعماری موجود برجسته نموده و بازتاب دهند. به حق که اوضاع و حاکمیت فعلی در افغانستان، فاجعه عظیم قرن بیست و یک در سرآغازش می باشد...

اکنون که بسیاری از راه ها آزموده شده، یگانه راه اساسی نجات از فاجعه و کابوس حاکم بر کشور همانا فکر و عمل قاطع در جهت برپائی یک حرکت مقاومت مستقل (ملی و مترقی) است که بنای مقدماتی آن را باید ستاد ها و عناصر انقلابی، مترقی، ملی و روشنفکری پایه ریزی نمایند. ما به همه دوستان و همزمان این اطمینان را می دهیم که بدون دلهره و لحظه ای درنگ، بار سپرده شده را با جدیت و ثابت قدمی از طویل ترین جاده ها عبور داده و به سرمنزلش برسانیم."

امروز در هژدهم جوزای سال جاری، به مناسبت تجلیل از سی و دومین ساگرد جاودانه شدن بانی و رهبر ساما این سرو تناور آزادی، زنده نام مجید و روز یادبود و گرمی داشت خاطرات و آرمان های شهدای راه آزادی و انقلاب؛ سخن از الگوی شاهکار های سترگ حماسی، از نماد ایستادن در مقابل زورمندان و از سرمشق ایثار و اعتقاد، از شخصیت نامدار حماسی و با اوتوریته انقلابی و فرمانده شناخته شده ساما، از شاه محمد «پردل» است. بدین مناسبت، سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما - ادامه دهندگان) یاد آوری و معرفی شخصیت و کارنامه های انقلابی رفیق شهید مان "پردل" را به مثابه سوژه خاص تجلیل امسال برگزیده و به بیان مختصر شخصیت و عملکرد او می پردازد.

شهید شاه محمد "پردل" یکی از انقلابیون نامدار و با هیبت مردمی و هموزم وفادار مجید بزرگ بود. او انسان آگاه، جسور و مبارزی بود که درد مردم خود را با گوشت و پوست لمس کرده و راه علاج آن را نیز هضم و تحلیل کرده بود. بر بنیاد شناخت، آگاهی و رسالت انقلابی اش شهید پردل همه چیز خود را در راه مبارزه به ضد استثمار و پیروزی انقلاب و رهائی مردم و کشور از چنگال عفریت کهن نظام فنودالی و سلطه مشترک خونبار ارتجاع

کمپرادوری و سوسیال امپریالیستی فدا کرد. او در همه لحظات زندگی برای به اهتزاز در آوردن درفش آزادی برای توده ها و کشور، از هیچ گونه فداکاری و جان نثاری دریغ نوزید. او همیشه با مردم زیست و سراسر عمر عزیزش را از همان آوان کودکی تا جوانی و از جوانی تا رزمندگی و بلاغت انقلابی در خدمت مردم و تحقق آرمان گرامی زحمتکشانش سپری کرد. خشم و کین انقلابی نسبت به دشمن و به همان سان عشق به توده های پا برهنه را سخت در دل خود پرورانده بود. کلیه کارهای محوله را با نهایت دقت و علاقه مندی توأم با جدیت و نوآوری انجام می داد. او در جریان مبارزه طولانی انقلابی گداخته و آبدیده شده بود. آگاهی، تهور بی مانند و اوتوریته تثبیت شده، سازش ناپذیری در برابر دشمن، پایداری بر اصول و آرمانهای انقلابی، انضباط پذیری و تعهد به جمع و منافع جمعی، او را نمونه ای از انسان نوین ساخته بود.

شهید شاه محمد "پردل" فرزند علی محمد در دهه ۳۰ در یک خانواده دهقانی "قریه آقا سرای" علاقه داری "کلکان" کوهدامن دیده به جهان گشود. پدر شهید پردل "علی محمد" چهار فرزند داشت به نام های ولی محمد، شاه محمد «پردل»، الله محمد «عزیز» و فیض محمد. از جمع برادران شهید پردل دو برادرش یعنی انجینر الله محمد «عزیز» و فیض محمد همسنگر و هم‌رزم شهید پردل شدند. این برادران هم‌رزم پردل در جریان مبارزات سیاسی و نبرد های رهائیبخش و کار توده ئی نقش فعالانه را به عهده داشته و در صف پیکار روبروی با دشمنان مردم ستمدیده افغانستان سهم بارزی را اداء نمودند. آنان با نثار خون پاک خویش و با مبارزه و مقاومت حماسی شان داستان های رزم و حماسی دیگری را با خطوط زرین به ضد اشغالگران شوروی و اشغال پرستان، به خصوص وطن فروشان (خلق و پرچمی) به طور ماندگار در صحیفه تاریخ آزادی خواهانه مردم ما ثبت نمودند. آری، فیض محمد برادر کوچک شهید پردل در یکی از شب های تابستانی سال ۱۳۶۰ش در جریان اجرای وظایف انقلابی، در اثر یک کمین و حمله ناجوانمردانه افراد مسلح باند آدمخوار و مزدور حزب اسلامی گلبدین خائن در حوالی قریه "کلکان" از پا در افتاد. یاد و خاطره اش گرامی باد!

انجینر الله محمد "عزیز" سامائی دلیر، چریک کوره دیده و یار وفادار فرزند انقلابی نامدار خلق ما، مشعلدار بزرگ و بنیان گذار «ساما» و رهبر جبهه متحد ملی افغانستان شهید "مجید کلکانی" همراه با مجید توسط جواسیس خادیسرت رژیم مزدور، جلاد پیشه و وطن فروش "پرچمی - خلقی" و عوامل کی . جی . بی در "مکروریان" شهر کابل دستگیر شدند. پس از مقاومت حماسی بی بدیل در شکنجه گاه دشمن، این دلیران نامدار تاریخ و حماسه آفرینان مردمی در بیدادگاه دشمن پلید و جنایت پیشه استوارانه ایستاده و تا آخرین رمق حیات در اعدامگاه پلچرخ به آرمان انقلابی خود وفادار مانده و مرگ را با گردن افراشته پذیرا و با مقاومت و مرگ شان حماسه ای را با حماسه دیگری پیوند زدند. شهادت این مبارزان نستوه و نامور ضایعه ای بود برای ساما، جنبش انقلابی و مقاومت ملی مردم افغانستان و ننگ ابدی است بر جبین شکنجه گران، جلادان و رهبران حزب و رژیم مزدور و منفور ضد دموکراتیک خلق (پرچم و خلق) و بدار اشغالگر آن سوسیال امپریالیسم شوروی!!! یاد آن حماسه سازان انقلابی گرامی و راه شان پر از رهروان صدیق باد!

از مکتب تا مدرسه انقلاب:

رفیق پردل تحصیلات ثانوی خود را در لیسه "میربچه خان" به پایان رسانید. در ضمن آموزش دروس مکتب، پردل از طریق مطالعه کتب سیاسی به ادبیات و اندیشه های دوران ساز و انسان ساز انقلابی دسترسی یافت که در پرتو آن به خود سازی انقلابی رسید. این اندیشه های رهائیبخش راه ها و ابزار پایان دادن به فرو دستی و رنج

بیکران توده های مردم را به او نشان داد. دستیابی به این گنجینه فکری پردل جوان را به جهان نگری علمی مسلح ساخته و این تسلیح فکری به او و همزمانش امکان می داد تا به تاریخ، اقتصاد، سیاست و قضایای اجتماعی از منظر منافع تاریخی ستمکشان در مقابل ستمگران و از موضع انقلاب در مقابل ارتجاع بنگرند و از مسائل پیرامون، دید صائب داشته باشند. رفیق پردل جوانی بود پر کار، غریب دوست، شجاع، هوشیار، کارسنج، با تدبیر و صادق که این خصایل او توجه همه را به خود جلب کرد. شاه محمد جوان در بین هم سن و سالان خود محوری بود در حال رشد و شگوفائی. وی در جوانی محبوب قلوب مردم ستمدیده اش گردید. شاه محمد در آوان جوانی با رفیق مجید شناخت به هم رسانیده و تا واپسین دم به این رفاقت و هم‌رزمی با مجید و یاران او متعهد ماند. خصایل نیک، آگاهی عالی، گوهرمتانت، صداقت، صمیمیت، ایده آلهای عالی انقلابی و تواضع و انضباط انقلابی رفیق مجید باعث اعتلای فکری و شخصیتی رفیق پردل شده و سجایای عالی انسان انقلابی را در وی پرورش داد. پس از بستن تعهد مبارزاتی با مجید و پذیرش افکار مترقی انقلابی و هم‌سنگر شدن با وی در عرصه مبارزات مردمی و تشکیلاتی در بین توده ها، در مسیر یک انقلاب مردمی گام نهاد. رفیق پردل در بین جوانان مکتب رو و جوانان توده ئی به کار آگاه گرانه و بسیج آنها در تشکل های توده ئی و در نهایت در یک تشکل انقلابی منضبط با اصول و موازین انقلابی در پرتو اندیشه پیشرو عصر پرداخت. زنده یاد پردل به عنوان یک انقلابی حرفه ائی، به یکی از چهره های شناخته شده در عرصه مبارزات سیاسی و پیکار انقلابی علیه ستم گران حکومتی و نظام پوسیده فئودال - کمپرادوری و طبقات حاکمه آن و همچنان به مثابه یک مبارز نستوه و با اوتوریت تثبیت شده در پیکار های آزادیبخش ضد تجاوز سوسیال امپریالیسم شوروی و سلطه استبدادی و ضد دموکراتیک عمال میهن فروش "خلقی - پرچمی" آن مبدل گردید. می توان از نمونه مبارزات شهید پردل در برابر دودمان سلطنتی و جمهوریت قلابی داوودی و حکومت پوشالی غلامان روسی نمونه چندی بازگو نمود.

از مدت های مدیدی استعمار فئودالی و ستم غارتگرانه قومی (در تداوم ستمگری طبقاتی و ملی گذشته) بر توده های ستمدیده ملیت های کشور ما مشخصاً دهقانان اعمال می گردید. ملاکان ارضی و دیگر متنفذین و سود خوران محلی بر مقدرات سیاسی و اقتصادی مردم ما تسلط داشتند و به طور قطع منافع طبقات حاکمه را حفظ و حراست می نمودند و پایه اصلی حاکمیت را در محلات می ساختند. رژیم حاکم بالمقابل سالانه برایشان تحایف و هدایائی جهت وفاداری بیشترشان به حاکمیت پیشکش می نمود و خان ها و ملاکین ارضی در تعدی و تجاوز بر جان، مال و ناموس مردم دست باز داشته و کارهای اجباری و بیگاری را بالای توده های زحمتکش تحمیل می نمودند. چنان که در عهد سلطنت ظاهر شاه یکی از خان های ولسوالی "ده سبز" به نام "سید احمد" از دهقانان کم زمین منطقه "آقا سرای" با جبر عشر (یک دهم حصه حاصلات) می گرفت و مورد حمایت دولت هم قرار داشت. موضوع را دهقانان محل با رفیق پردل یار نزدیک و مونس شان در میان گذاشتند.

رفیق پردل با جسارت و هیبت انقلابی که داشت سیداحمد را در بین قریه اش اخطار داد که از این به بعد دستت را از مال و منال مردم و دهقانان کوتاه ساز، در غیر آن برخورد انقلابی خواهم کرد. ارباب سید احمد از آن به بعد جرأت نکرد از دهقانان متذکره عشر بستاند.

در سال ۱۳۵۰ شمسی در دوره دودمان طلائی (ظاهرشاه)، افغانستان در معرض خطر خشک سالی وحشتناکی مواجه گردید که در ولایات غور، بادغیس، فراه، بدخشان و هرات عده زیادی از هموطنان ما از فرط گرسنگی جان باخته و حتی تعدادی از هموطنان ما اطفال خویش را نسبت قحطی به فروش رسانیدند. درحالی که مردم مظلوم ما تحت شدید ترین سایه فقر همه جانبه قرار داشتند، طبقات حاکمه در رفاه و آسایش کامل به سر می بردند.

توزیع مواد اهدائی (برنج، گندم، شکر و البسه) دولت های بیگانه به مستحقان آن در نتیجه فساد گسترده اداری عادلانه صورت نگرفت و باعث نارضایتی مردم و محصلان پوهنتون کابل و متعلمان مکاتب ولایات شده و تظاهراتی نیز علیه حکومت به راه افتاد.

در این زمان در قریه "آقا سرای" یکی از زمینداران بزرگ به نام "ملک عصمت" که یکی از مهره های اساسی فشار و سرکوب هیأت حاکمه دولتی بالای توده های زحمتکش آن محل بود، مقداری گندم، برنج، شکر و البسه اهدائی را از ولسوالی اخذ و در قریه برای مردم سیاه روز، نادار و فقیر به فروش می رساند. رفیق پردل با مداخله در موضوع، مواد اهدائی را طور رایگان برای چند فامیل غریب و نادار توزیع می نماید. موضوع را نوکران ملک عصمت برایش می رسانند و غضب، حرص و آز ملک به شور آمده و با رفیق پردل کینه گرفته و او را سدی در پیش روی خود می بیند. ملک عصمت در مقابل این جسارت پردل، رفیق مکتب او را به اسم "جبار" به قتل می رساند تا توانسته باشد غرور انقلابی پردل را درهم شکنند. پس از خاک سپاری جبار شهید، پردل سلاحش را به دوش گرفته راهی عرصه کارزار زندگی نوین گردید. در جریان درگیری مسلحانه بین پردل و زمیندار بزرگ قریه آقا سرای (ملک عصمت) که در حمایت مستقیم پادشاه افغانستان قرار داشت، دو نفر از مزدوران مسلح ملک عصمت به قتل رسیده و رفیق پردل ناگزیر به زندگی مخفی روی می آورد.

در جریان زندگی دشوار مخفی و کار انقلابی ضرورتاً سلول های تشکیلاتی توده ئی و سازمانی را در بین توده ها هسته گذاری کرد. رفیق پردل در جریان مبارزه آگاه گرانه و بسیج گرانه اش در بین جوانان روستا های شمالی و مخصوصاً کوهدامن، ماهیت پلید سازشکاران و مرتجعین محلی و سیاست های دلقک بازانه رژیم و پایه اصلی آن یعنی زمینداران بزرگ را افشاء ساخته و جوانان توده ئی و عیاران را به طرف آموزش و فراگیری دانش سیاسی انقلابی و کسب خصال انقلابی جلب نموده و تعداد زیادی از آنان را به رسالت تاریخی شان آگاه ساخت. در کوران این مبارزه انقلابی پردل خود به یک انقلابی نامدار و نماد راستین ایستادن در مقابل زورمندان مبدل شد. این امر خشم روز افزون طبقات حاکمه، عمال و جواسیس دولت های شاهی و "جمهوری" قلابی را علیه پردل و همسنگران انقلابی وی برانگیخت.

رفیق "پردل" پس از کودتای هفت ثور ۱۳۵۷ شمسی:

پس از کودتای ننگین هفت ثور ۱۳۵۷ش رفیق پردل همراه با سائر همزمان انقلابی اش و در پیشاپیش شان شخصیت فرهیخته انقلابی نامور، مجید اسطوره ئی، حاکمیت فاشیستی رژیم کودتای ثوری ضد ملی و ضد دموکراتیک باند های میهن فروش "خلق و پرچم" را دست نشانده و زاده تجاوز سوسیال امپریالیسم شوروی و مخالف منافع تاریخی اکثریت توده های زحمتکش کشور ارزیابی کرده و خیزش و رستاخیز خلق را در مقابل آن منطقی و ضروری می پنداشتند. بناءً، رفیق پردل و سائر رفقا تحت رهبری رفیق مجید در آنزمان ضمن سهم گیری فعالانه و صادقانه در پروسه وحدت محافل و منسوبین جنبش انقلابی کشور که به ایجاد "ساما" منجر شد، برای بسیج و سازماندهی توده ها و جوانان در جهت مبارزه علیه رژیم کودتا کار تدارکاتی را در زمینه های ایدئولوژیک، سیاسی، سازمانی، کار توده ئی، امور نظامی، جوانان و... درکوهدامن، پروان و کاپیسا و سائر ولایات کشور روی دست گرفتند. رژیم جلاد پیشه ضد خلق و مزدور "خلقی و پرچمی" با سراسیمگی فراوان با خصلت ماهوی ضد دموکراتیک، فاشیستی و سرکوبگرانه اش در تعقیب و سرکوب نیروی های انقلابی دسراسر

کشور و من جمله تعقیب مجید و پردل در منطقه پرداخت تا بتواند عرصه مبارزه و کار انقلابی را برای شان تنگ تر نموده و احیاناً انقلابیون و مردم را از داشتن چنین رهبران فرزانه، نامدار و عملورزی محروم سازد.

می توان از دهها مورد عملکرد رفیق پردل و یاران مبارز وی چند مورد را نام گرفت .

در سرطان سال ۱۳۵۸ش در قریه "فلاغ" مربوط ولسوالی "میر بچه کوت" کوهدامن تعدادی از کادر های سامائی شامل پردل ، انجینرشیر، خیر محمد، پهلوان غفور و... شبی در یک خانه در حلقه محاصره قوای مسلح خلقی ها قرار گرفتند. ولی این رفقای کوره دیده و با تجربه انقلابی با مهارت و جسارت تمام حلقه محاصره دشمن را شکسته و به تعداد (۱۳ تن) از ملیشای خلقی و پرچمی را نقش زمین ساخته و خویش را از محاصره آنها رهانیدند. با دریغ یکی از سپاهیان راستین مردم، کادر ورزیده سامائی "خیر محمد" در آن درگیری مسلحانه شهید گردید. یاد و خاطره اش جاودان باد! رژیم "خلقئی" ضد خلق با ماهیت پلید ضد مردمی اش فرای همان شب با سبعیت تمام اعضای چند خانواده در آن قریه را به شمول کودکان، زنان، جوانان و پیر مردان به قتل رسانیده و حتی مواشی آنان را به رگبار بستند.

همچنان در ۶ جدی ۱۳۵۸ش روز تجاوز ارتش اشغالگر سوسیال امپریالیسم روس که "سامائی" ها در سر تا سر کشور با سر دادن فریاد "روسها از ملک ما بیرون شوید!" علیه متجاوزین شوریدند، به ساعت ۴ عصر همان روز در قسمت "کاریز دوغ" علاقه داری "کلکان" عساکر اشغالگر روسی آماج گلوله های آتشین انقلابی شاه محمد پردل و یارانش قرار گرفتند که طی آن ضربت کاری، شش تن از عساکر رهن روسی گریه کنان به قتل رسیدند و برای اولین روز خواب اشغال سرزمین دلبران را از سر اشغالگران روسی پرانندند. بناءً، در سطح ملی افتخار فریاد علیه تجاوز و وارد کردن اولین ضربت به نیرو های اشغالگر روسی در ششم جدی ۱۳۵۸ شمسی را سامای مجید و رزمندگان پیشمرگ آن چون پردل و رفقای هم‌رزمش کمائی کردند. افتخار ابدی به آنان!

ساما یک کانون انقلابی کوچک نبود که عملکردش به ترور این شخص ضد انقلاب و یا ضربت زدن به این گروه کوچک و یا مصادره سلاح آن پُسته ضعیف دولتی خلاصه گردد. ساما ستاد رزمنده سیاسی - نظامی توانمندی با پایه های توده ئی بود که ظرفیت عملیات بزرگ و حیرت انگیز نظامی را داشت. به طور مثال با یک سازماندهی دقیق در شب ۲۰ حوت ۱۳۵۸ش تحت فرماندهی فرمانده بزرگ انقلابی رفیق "پردل" یورش بر قشله یا پادگان چندین هزار نفری مشهور به "لوای حسین کوت" در چند کیلو متری شهر کابل و مصادره ۳۵۰۰ قبضه سلاح ثقیل و خفیف و مهمات آن توسط چریکهای سربه کف سامائی و روابط توده ئی ساما موفقانه صورت گرفت و در خدمت جبهات گرم نیروهای سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما) قرار داده شد، که از عظمت و هیبت ساما حکایت می کرد. پس از اشغال نظامی افغانستان توسط سپاه وحشی اشغالگر سوسیال امپریالیسم شوروی، این بزرگترین دستاورد نظامی برای ساما و سایر انقلابیون کشور و ضربه شدید بر پیکر رژیم مزدور پرچمی - خلقی و بادار سوسیال امپریالیست آنان بود. افتخار این دستاورد و عمل موفق نظامی و مصادره و انتقال شب هنگام مقادیر زیادی از سلاح و مهمات در پهلوی سائر عوامل، عمدتاً به درایت، شجاعت و لیاقت مبارزان سامائی در آن عملیات به فرماندهی فرمانده مدبر و دلیر عملیات "غرش رعد بهاری در شمالی"، یعنی به پردل شهید بر می گردد. اما با دریغ و درد عملیات "غرش رعد بهاری در شمالی" از ساما یک قربانی بزرگ نیز گرفت. او معلم عبدالستار کادر ورزیده سامائی و یار و یاور مجید بود که در جریان عملیات شهید شد. یادش را گرامی و خاطرش را همیشه زنده می داریم!

نقش رفیق پردل در پروسه ایجاد "ساما" و حراست از آن:

پردل به استواری کوه های بابا و هندوکش در نقش یک انقلابی بزرگ، مونس توده های فقیر و تهی دست، الگوی حماسی جنگ پارتیزانی کبیر میهن ما و دژ مقاوم در برابر فشار ها و اشکال گوناگون ستم به ویژه ستم طبقاتی و استعماری، چون پولاد در کوره فروزان نبردهای پیهم انقلابی آبدیده شد. او در نقش یار و یاور مجید و کادر فعال و آگاه به حیث تسمه انتقالی میان رهبری و تشکیلات در کنار رفیق مجید و در همکاری با سائر رفقای بنیانگذار در امر ایجاد ساما نقش شایسته و بسزائی داشت. او به نقش سازمان پیشآهنگ در امر انقلاب به خوبی واقف بود. ایجاد سازمان پیشتاز ساما یکی از آرزو های پردل و سائر رفقای انقلابی ما بود.

کوتاه مدتی پس از ایجاد ساما، در اثر حملات پیهم، و بعضاً مشترک استعمار و ارتجاع بر این ستاد مبارز، این سازمان اکثریت بانیان، سازماندهان و نظریه پردازان اصلی و اوتوریتته های مرکزی خود از جمله رفیق مجید را از دست داد. در فضای پس از گرفتاری و اعدام رفیق مجید و ترک سنگر کردن "چپ" دگماتیک و مشغله های عملی مبارزاتی برای اکثریت چپ اصولی ساما در جبهات نبرد مقاومت ملی ضد اشغال در گوشه گوشه کشور، خط لیبرالی راست در وجود عده ای از رهبران باقی مانده در مرکز ساما ستاره اقبال خود را در حال طلوع می دید. رهبران اصلی ساما در حالی متحمل این ضربات شدند که این سازمان از لحاظ عملی و نظامی در جبهات نبرد مستقل در شمالی و جا های دیگر و جبهات پوششی در سائر ولایات کشور طی سالهای ۵۹- ۱۳۵۸ شمسی قدرت عمل چشمگیری داشت. رهبرانی با اوتوریتته از گونه مجید لازم بود تا حماسه سراسر کشوری سامائی را رهبری کنند.

خلاف عده ای روشنفکران دور از پراتیک عملی مبارزاتی متراکم در شهر ها و عاشق فرهنگ و امتیازات زندگی شهری خزیده در مرکزیت ساما، رفیق پردل ضمن برخورداری از فراز هائی از فرهنگ و سابقه عیاری (و نه لومپنی) در کنار اخلاق انقلابی، از تجربه زندگی روستائی و تأنید توده ئی، داشتن تجارب و درایت مبارزات عملی و نظامی ضد استبدادی و تحرک دایمی بهره مند بود و به زندگی ساده و بی پیرایه روستا نشینان تاکستان های شمالی عادت داشت و همواره یار و یاور آنان بود. این ویژگی ها به او اوتوریتته لازم مبارزاتی و سائر امتیازاتی را می بخشید که عده ای از رهبران مرکز نشین آن وقت ساما از آن بی بهره بودند. زمانی که خط راست مرکزیت ساما - نه خط بدنه و صفوف و کادرها - می رفت که غالب شود، در چنین حال و هوائی اولین کنگره ساما در جوزای ۱۳۵۹ ش دایر شد. در جریان مباحثات کنگره دو خط مقابل هم قرار گرفت: یکی خط انقلابی بنیان گذاران به رهبری رفیق مجید مطروحه در برنامه ساما و دیگری خط التقاطی لیبرالی که در اعلام مواضع تبلور یافت. در چنین فضائی این وظیفه سترگ دفاع و حراست از خط انقلابی بنیادگذاران به رهبری مجید در مقابل تهاجم ایدئولوژیک راست لیبرالی به دوش رفقای چون پردل، قاضی ضیاء (مختار)، تیمور و تنی چند دیگر افتاد. هر چند رفیق پردل و رفقای متعهدش نتوانستند از راه باز کردن لیبرالیسم در مرکزیت ساما جلو بگیرند، ولی استواری، اوتوریتته سیاسی و نظامی رفیق پردل و عملورزی وی در کنار سهم سائر رفقاء چون قاضی ضیاء و سپس تیمور، میرویس و... مزید بر وزنه عملی و مبارزاتی کادرهای متعهد به برنامه ساما در واحد های تشکیلاتی ولایات مانع از تعمیم و گسترش خط لیبرالی مرکزیت آنوقت در خارج از محدوده شهر کابل شد. این مقاومت در مقابل حملات راست در کابل و در مرکز سازمان، آن عمل افتخار آفرینی است که در تاریخ ساما به نام پردل، قاضی ضیاء، رفیق تیمور، میرویس، رضا (محمد علی) و رفقای دیگر ثبت شده است. این دوآلیسم فکری زیر نام "مرکزیت و

تشکیلات" هرچند ضربات کاری بر ساما وارد کرد، اما شهید ارجمند "رهبر" و رفقای هم‌رزم او در کنفرانس سرتاسری ساما در سال ۱۳۶۲ش به آن و به تسلیم طلبی ناشی از آن مقطع با قاطعیت پایان دادند.

ناپدید شدن و مرگ اسرار آمیز رفیق شفیق "پردل":

رفیق پردل به تاریخ ۲۴ سرطان ۱۳۵۹ شمسی پس از دیدار تیم چریکی سامائی عملیات مصادره خزانه مزدوران روس در گلپهار (در ۲۵ سرطان) و عالی ارزیابی کردن روحیه رزمی رفقای تیم، حوالی ظهر همان روز با گادی از گلپهار عازم سید خیل در پروان شده و بایسکلی را از خانه یکی از روابط تشکیلاتی ساما گرفته و با گفتن این که سه روز بعد بر می‌گردم، از راه منطقه بگرام عازم کوه‌دامن شد. جاودان یاد پردل در فاصله راه میان سید خیل در پروان تا کوه‌دامن ناپدید گردید و هیچ و قتی هم سر قرارش با رفقاء برنگشت. برای رفتن به کوه‌دامن او باید مناطق بگرام تا قره باغ را طی می‌کرد، مناطقی که علاوه از روس‌ها و مزدوران شان در پایگاه هوایی بگرام و جاده منتهی بدان، افراد مسلح حزب اسلامی گلب الدین در آن حضور داشتند.

با هزار درد، پردل پس از مجید و سائر بانیان انقلابی ساما، به عنوان بزرگ‌ترین اوتوریت مبارزاتی ساما در منطقه و به عنوان فرماندهی مدبر و توانا، عضو کمیته مرکزی و مسؤول عمومی نظامی ساما، در یکی از بحرانی‌ترین لحظات مبارزات درونی ساما و در اوج مبارزات نظامی ساما شهید شد و صادقانه هستی خود را وقف امر آزادی و انقلاب و آرمان‌رهای توده‌های مردم افغانستان کرد. بی‌گزاف، مردمی که او را می‌شناختند، شهادت رفیق پردل را بزرگ‌ترین ضربت و نبود او را عظیم‌ترین خلاء برای جنبش مبارزاتی سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما) ارزیابی کرده‌اند.

زنده و جاوید باد نام نامی جانبختگان سامائی!

جاودان باد یاد رفقاء مجید، پردل، خیر محمد، ستار، غفور، رهبر و ...!

جاویدان باد یاد و خاطره تابناک شهدای ارجمند راه آزادی و انقلاب!

به پیش در مسیر ترسیم شده با خون یاران شهید ما!

بهترین گرامیداشت از شهدای پیشکسوت ما تداوم راه انقلابی آنان در عمل است، نه تجلیل ریاکارانه و نمایشی!

یا مرگ یا آزادی!

سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما - ادامه دهندگان)

۱۸ جوزای ۱۳۹۱ برابر با ۸ جون ۲۰۱۲